

آشنایی با  
مبانی استدلال اخلاقی  
بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پاول و لیندا الدر  
ترجمه‌ی پیام یزدانی



نشر اختران

سرشناسه	پل ریچارد Paul, Richard
عنوان و نام پدیدآور	آشنایی با مبانی استدلال اخلاقی - بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی / ریچارد پل، لیندا الدر؛ ترجمه‌ی پیام یزدانی
مشخصات نشر	تهران: اختران، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۱۰۴ ص، ۱۳/۵×۲۱/۵ ق.م
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۹۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: <i>The Miniature Guide to Understanding the Foundation Ethical Reasoning</i>
موضوع	اخلاق Ethics
موضوع	سفرنامه ۳۶۹-۳۶۹ ق.م
موضوع	تفکر انتقادی Critical thinking
شماره افزوده	الدر، لیندا ۱۹۶۲ - م. Elder, Linda
شماره افزوده	یزدانی، پیام ۱۳۳۷ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۹ - الف ۴۰۷ / ۱۹۹ BC
رده بندی دیویی	۱۶۰
شماره کتابشناس ملی	۵۰۰۳۷۳۷۷



نشر اختران

با تشکر از دکتر سلطانی مسئول گروه تفکر نقاد این سینا

آشنایی با مبانی استدلال اخلاقی  
بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

لیندا الدر و ریچارد پل

مترجم: پیام یزدانی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۳۵ و ۰۹۰Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۲۳۹

www.akhtaranbook.ir - Insta: akhtaranpub - akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۹۳-۷

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۵۰۰۰ تومان

## فهرست

- سخنی با خواننده..... ۹
- کارکرد اخلاق و مانع اصلی در برابر آن (کار اصلی استدلال اخلاقی روشن کردن دو دسته از اعمال است: اعمالی که موجب اعتلای بهروزی دیگران می‌شود و سزاوار ستایش است - و اعمالی که نافض بهروزی دیگران است - و مستحق نکوهش. مطالعه‌ی استدلال اخلاقی بسیار مهم است زیرا انسان به سرشت خود سخت گرایش دارد به خودمحوری، تعصب، خودتوجه‌گری و خودفریبی)..... ۱۱
- مسئله‌ی شبه اخلاقی (نگرش دینی {مبتنی بر یزدان‌شناسی}، نگرش عرفی {مبتنی بر سنت‌ها و منهیات}، نگرش سیاسی {مبتنی بر ایدئولوژی و عوامل ذی‌نفع}، و نگرش قانونی {مبتنی بر رویه‌های سیاسی و فشارهای اجتماعی} اغلب با نگرش اخلاقی مشبه می‌شوند. اما چنین نگرش‌هایی محل مناقشه‌اند و برای تبیین اصول جهان‌شمول اخلاقی نمی‌توان صرفاً آن‌ها را مبنا قرار داد)..... ۲۰
- مؤلفه‌های استدلال اخلاقی (ساختار استدلال اخلاقی در اساس همان است که هر نوع استدلالی بر آن بنا می‌شود. باید سازوکارهای اساسی تفکر را که در استدلال خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم بشناسیم و بدانیم چگونه آن‌ها را ارزیابی کنیم)..... ۳۳
- منطق استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی هم درست مثل استدلال ریاضی یا علمی یا پزشکی منطقی دارد. مثلاً، ما هرگاه استدلالی اخلاقی می‌کنیم هدفی داریم، از دیدگاهی استدلال می‌کنیم، بعضی مفروضات اخلاقی را مبنا می‌گیریم، و این روند به بعضی استنتاجات و پیامدهای اخلاقی منتج می‌شود)..... ۳۵
- زیان و استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق مفاهیم و اصول جهان‌شمول اخلاقی است. واژه‌های اخلاقی زبانی که بدان صحت می‌کنیم حامل این مفاهیم و اصول است)..... ۳۸

دو نوع پرسش اخلاقی (برخی پرسش‌های اخلاقی پاسخ قطعی دارند، و یافتن پاسخ برای برخی دیگر مستلزم قضاوت مستدل است. برای استدلال در مورد هر پرسش اخلاقی باید معلوم کنیم که آن پرسش ساده است یا پیچیده). ..... ۴۹

اهمیت حقایق و دیدگاه (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق حقایق مربوط به پرسش اخلاقی است. همچنین اشراف بر معقول‌ترین تفسیرهای ممکن از این حقایق). ..... ۵۱

معیارهای فکری برای ارزیابی استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی باید مطلق همان معیارهای فکری باشد که در مورد سایر حوزه‌های دانش نیز صدق می‌کند. مثلاً، استدلال اخلاقی استوار باید واضح، درست، دقیق، مربوط، عمیق و واضح، منطقی، و به‌دور از پیش‌پاافتادگی باشد، و گاهی هم باید با پیچیدگی‌های مسئله روبه‌رو شود و از منظر دیدگاه‌های متعدد به آن بنگرد). ..... ۵۹

توانایی‌های استدلالی در زمینه‌ی امور اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی توانایی‌های فکری ضروری است). ..... ۶۱

فضیلت‌های مهم اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی ویژگی‌های فکری / اخلاقی ضروری است). ..... ۶۶

مؤخره ..... ۶۸

پیوست‌ها

واژه‌نامه ..... ۷۲

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ..... ۸۷

اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر ..... ۹۵

## درباره‌ی «مجموعه‌ی تفکر نقاد»

فکر کردن را که ظاهراً همه‌ی ما خودبه‌خود بلدیم، نه؟ مدام هم مشغولش هستیم. شاید برای بعضی‌هایمان مشغله‌ی چندان خوشایندی هم نباشد، و گاهی آرزو کنیم که کاش می‌شد این مغز مشغول مشوش را خاموش کرده و دمی از رنج فکر کردن و تصمیم‌گیری آسود؛ یا کسی، مرجعی، پیدا می‌شد که فکر کردن را به‌کل به او بسپاریم و خودمان برویم سراغ کارهای خوشایندتر. ولی خلاصه فکر کردن را که همه بلدیم، نه؟

نه! از قضا آن تفکری که منظور ماست، تفکر نقاد، چیزی است آموختنی؛ و مهارت یافتن در آن تمرین بسیار می‌خواهد. ذهن طبیعی ناپرورده‌ی ما، ذهن «نامتفکر»، اغلب چیزهایی را درست و سلیبی و طبیعی می‌انگارد در حالی که هرگز درستی یا نادرستی آن‌ها را ارزیابی نکرده‌ایم. قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی می‌کند که هیچ از ماهیت آن‌ها خبر نداریم. تصمیم‌های ریز و درشتی می‌گیریم و اعمالی از ما «سر می‌زند» که خیال می‌کنیم - فقط خیال می‌کنیم - آگاهانه و با هدف معلوم و برنامه‌ریزی مشخصی بوده، و بعد شگفت‌زده و خشمگین می‌شویم که چرا نتیجه دقیقاً برعکس آن بوده که انتظار داشته‌ایم. رنج می‌کشیم و، با اینکه به‌زبان اخلاق‌مندی را ستایش می‌کنیم، دیگران را رنج می‌دهیم؛ و نمی‌فهمیم چرا. انگار ما نه حاکم بر ذهن خود، که بندی آن هستیم.

آن بیرون هم بندگان ما بسیارند؛ و بزرگی تقریباً تمام نهادهای دیرسال اجتماعی ایستایی و مقاومت در برابر تغییر است. قدرت‌های مستقر از ما می‌خواهند منفعلانه بپذیریم وضع موجود فکری، سیاسی یا اقتصادی «هر چند ایده‌آل نیست» اما طبیعی است، و تلاش برای تغییر یا بیهوده است یا به آشوب بی‌پایان و در نهایت بدتر شدن اوضاع می‌انجامد. به تبع این، نهادهای آموزشی هم نامتفکر تربیت می‌کنند: القا کردن به جای آموزش، حفظ کردن

به جای درونی ساختن، به خاطر سپردن دانش پیش تر کسب شده به جای درگیر شدن با روند علمی، و پذیرفتن منفعلانه به جای پرسشگری.

فرض بنیادین مجموعه‌ی تفکر نقاد این است: ما چیزی جز تفکر خود نیستیم. احساسات ما (خشم، ترس، اندوه، محبت)، آرمان‌هایمان، تصمیم‌ها و اعمال‌مان، همه محصول فرایندی است که نامش را فکر کردن گذاشته‌ایم. کیفیت زندگی ما مستقیماً تابع کیفیت تفکر ما است. اگر تفکر ما نامتفکرانه و ناآگاهانه باشد، اگر سازوکارش را نفهمیم، نمی‌توانیم تشخیص بدهیم کجایش معیوب است تا اصلاحش کنیم. تفکر نقاد اندیشیدن دوباره‌ی خود تفکر را به ما می‌آموزد. یاد می‌گیریم این ماشین ذهن چگونه کار می‌کند، و می‌آموزیم که چگونه با در اختیار گرفتن تفکرمان، فرمان اعمال خود، فرمان احساسات خود، فرمان نفس خود را در دست بگیریم و مسئولیت زندگی‌مان را بپذیریم.

مجموعه‌ی تفکر نقاد طرحی است برای بهبود کیفیت روابط، یادگیری، و زندگی. برای اخلاقی زیستن. برای آزادی.